

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عن
MKRSoft



دانشگاه هنر اصفهان

دانشکده هنروادیان تمدن‌ها

گروه هنر اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته هنر اسلامی گرایش سفال

[بررسی بروز ایده خیر در کارهنری از منظر
سنت‌گرایان (سید حسین نصر)]

استادان راهنما:

دکتر مرضیه پیراوی ونک

دکتر منصور حسامی

پژوهشگر:

مرجان خادمی راد

بهمن ماه ۱۳۹۰

اظهار نامه‌ی دانشجو

موضوع پایان نامه : بررسی بروز ایده خیر در کار هنری از منظر سنت‌گرایان (سید حسین نصر) [

استادان راهنما: دکتر مرضیه پیراوی ونک و دکتر منصور حسامی

اینجانب مرجان خادمی راد دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته هنر اسلامی گرایش سفال دانشکده هنر و ادیان دانشگاه هنر اصفهان به شماره دانشجویی ۸۸۱۱۵۰۲۱۰۷ گواهی می‌نمایم که تحقیقات ارائه شده در این پایان نامه توسط شخص اینجانب انجام شده و صحت و اصالت مطالب نگارش شده مورد تأیید می‌باشد و در موارد استفاده از کار دیگر محققان به مرجع مورد استفاده اشاره شده است. به‌علاوه گواهی می‌نمایم که مطالب مندرج در پایان نامه تاکنون برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی توسط اینجانب یا فرد دیگری ارائه نشده است و در تدوین متن پایان نامه چارچوب مصوب دانشگاه هنر اصفهان را به‌طور کامل رعایت کرده‌ام.

امضاء دانشجو:

تاریخ:

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق، همچنین چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و اقتباس از این پایان نامه کارشناسی ارشد، برای دانشگاه هنر اصفهان محفوظ است. نقل مطالب با ذکر منبع بلامانع است.



دانشگاه هنر اصفهان

دانشکده هنر و ادیان تمدن‌ها

گروه هنر اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته هنر اسلامی گرایش سفال آقای/خانم مرجان خادمی راد تحت عنوان:

[بررسی بروز ایده خیر در کار هنری از منظر
سنت‌گرایان (سید حسین نصر)]

ارایه شده به مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیتهای تحصیلی لازم برای درجه‌ی کارشناسی ارشد که در تاریخ..... توسط هیأت داوران زیر بررسی و با نمره.....درجه..... به تصویب نهایی رسید

۱- استاد راهنمای اول پایان نامه آقای دکتر مرضیه پیروای ونک با مرتبه علمی استادیار امضا

۲- استاد راهنمای دوم پایان نامه آقای دکتر منصور حسامی با مرتبه علمی استادیار امضا

۳- استاد داور داخل گروه آقای دکتر زهره طباطبایی با مرتبه علمی استادیار امضا

۴- استاد داور خارج از گروه آقای دکتر علیرضا خواجه گیر با مرتبه علمی استادیار امضا

مهر و امضای مدیر گروه

سپاسگزاری: ابا سپاس فراوان از

استادان راهنمایم: دکتر پیراوی و دکتر حسامی]

تقدیم به: همسر م که در تمام
شرایط در کنار م بوده است

چکیده:

ایده خیر که از ابداعات اولیه افلاطون بوده است تأثیر به سزایی بر متفکران سنت گرا داشته است. سنت گرایی جریانی فکری است در قرن بیستم میلادی در غرب توسط افرادی مانند، گنون، کوماراسوامی و شوان آغاز شد و تا امروز نیز توسط افرادی نظیر سید حسین نصر ادامه پیدا کرده است. در این تحقیق، ضمن بررسی نظرات سنت گرایان مختلف، بیشتر به نظرات نصر توجه شده است زیرا نزد وی هنر و سنت گرایی در ارتباط مستقیم با یکدیگر هستند و لذا او به آن ها توجه زیادی کرده است.

زیبایی بخشیدن به ماده، زدودن کدورت و تبدیل آن به مظهری از مراتب برتر هستی، که هدف هنر قدسی و فی الواقع هنر سنتی است، مستلزم سنت روحانی زنده و پویایی است تا تصور عالم معقول را میسر سازد و راه را برای شناخت سر درونی نماد یا سمبل هموار نماید..

نگارنده در این تحقیق ضمن بررسی اجمالی نظریه مثل افلاطونی، سعی کرده آنرا با نظریه سنت گرایان کنار هم قرار داده و خیر و فضیلت را در هنر از نظر سنت گرایان مورد تحلیل قرار دهد و به این پرسش که آیا رابطه ای بین این دو وجود دارد یا نه پاسخ دهد. از جمله اهدافی که در این تحقیق به آن پرداخته شده است، بررسی ایده خیر در کار هنری است که جزء مطالب اصلی سنت گرایان راجع به هنر می باشد؛ تا آنجا که آنها هنر را تابع معنویت می دانند و در نهایت منجر به ایده خیر و مقتضیات اخلاقی می گردد.

از جمله موضوعاتی که در این تحقیق به آنها پرداخته شود می توان به جایگاه هنر و معنویت از نظر سنت گرایان و ویژگی های معنوی هنر از نظر آنها، همچنین به رابطه بین هنر و مقتضیات اخلاقی اشاره کرد.

این تحقیق ضمن بررسی نظریات سنت گرایان راجع به هنر سنتی، و در نهایت جمع آوری نظرات آنها راجع به هنرمند سنت گرا در نتیجه می گیرد از آنجایی که یک هنرمند سنتی هنر را در ارتباط مستقیم با معرفت می داند و باید در هنر خود فضیلت متعالی را وانمود کند، پس قبل از هر چیز خود باید واجد این فضیلت گردد و زمانی که واجد این فضیلت گردید وظیفه تعلیمی هنر آغاز خواهد شد.

مطالب این تحقیق به صورت کتابخانه ای جمع آوری شده است که از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی می باشد.

کلید واژه ها: ایده، ایده خیر، سنت، سنت گرایی، هنر سنتی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات تحقیق
۲-۳	۱-۱-۱- مقدمه
۳	۱-۱-۱-۱. واژه شناسی
۴-۶	۲-۱- بیان مساله

فصل دوم: هنر و آراء برخی از متفکران

۸-۱۳	۱-۲- معنی عام و خاص هنر
۱۳-۱۵	۲-۲- منشاء شهودی هنر از دیدگاه برخی از فلاسفه
۱۵	۳-۲- منشاء شهودی و متعالی هنر از دیدگاه فلاسفه متقدم
۱۵	۳-۲-۱. فیثاغورث- پارمنیدس- دموکریتوس
۱۶-۲۴	۳-۲-۲. سقراط- افلاطون- ارسطو
۲۴-۲۶	۳-۲-۳. رواقیون- فلوطین
۲۶	۲-۴- شهود در رهگذر فاهمه بشری
۲۶-۲۸	۲-۴-۱. کانت- برگسون- تولستوی
۲۸-۳۰	۲-۴-۲. کروچه- کالینگود
۳۰-۳۴	۲-۴-۳. هگل- شلینگ
۳۴-۳۷	۲-۴-۴. شوپنهاور- نیچه
۳۷-۳۹	۲-۴-۵. یونگ
۳۹-۴۴	۲-۵- معنای هنر از دید سنتی

فصل سوم: جریان سنت گرایی

۴۶-۴۷	۳-۱- پیشینه تاریخی
۴۷-۴۸	۳-۲- آغاز جریان سنت گرایی
۴۸-۵۰	۳-۳- کانون‌های جریان سنت گرایی
۵۰	۳-۴- افراد شاخص این جریان
۵۰-۵۱	۳-۴-۱. رنه گنون

- ۵۲-۵۴..... ۲-۴-۳. آناندا کوماراسوامی
- ۵۴-۵۷..... ۳-۴-۳. فریتهوف شووان
- ۵۷-۵۸..... ۴-۴-۳. تیتوس بورکهارت
- ۵۸-۶۱..... ۵-۴-۳. سید حسین نصر
- ۶۱-۶۳..... ۶-۴-۳. مارکو پالیس، مارتین لینگز، ویتال پری

فصل چهارم: خیر و شر از منظر اندیشمندان

- ۶۵..... ۱-۴-۱. نظریه ایده
- ۶۵-۶۶..... ۱-۴-۱. حیات افلاطون
- ۶۶-۷۰..... ۲-۴-۱. بررسی نظریه ایده (مُثل)
- ۷۰-۷۲..... ۳-۴-۱. ریشه اعتقاد افلاطون به ایده
- ۷۲-۷۴..... ۲-۴-۲. ایده خیر
- ۷۴-۷۶..... ۱-۴-۲. ویژگی‌های خوب
- ۷۶-۷۷..... ۲-۴-۲. ارتباط عالم مُثل با ایده خیر
- ۷۷-۸۲..... ۳-۴-۲. مکتب ارسطویی و خیر در فلسفه ارسطو
- ۸۲-۸۴..... ۴-۴-۲. مکتب نو افلاطونی
- ۸۴-۸۵..... ۱-۴-۲-۴. فلوطین، بزرگ‌ترین متفکر مکتب نو افلاطونی
- ۸۵-۸۶..... ۲-۴-۲-۴. مابعدالطبیعه فلوطین
- ۸۷-۸۸..... ۳-۴-۲-۴. نیک یا واحد در اندیشه فلوطین
- ۸۸-۹۰..... ۴-۴-۲-۴. نیک به عنوان واحد
- ۹۰-۹۱..... ۵-۴-۲-۴. تعریف و اهمیت ایده خیر و نیک (واحد)
- ۹۲-۹۴..... ۶-۴-۲-۴. یکی بودن خیر با واحد و نیک با واحد
- ۹۴..... ۳-۴-۳. نیروی شر
- ۹۴-۹۵..... ۱-۴-۳. نظری به واژه شر
- ۹۵-۹۷..... ۲-۴-۳. فلسفه نیروی شر
- ۹۷..... ۳-۴-۳. بررسی نیروی شر در ادیان مختلف
- ۹۷-۹۸..... ۱-۴-۳-۳. ایران باستان
- ۹۸..... ۲-۴-۳-۳. آئین زرتشتی
- ۹۸-۹۹..... ۳-۴-۳-۳. آئین زروان، مانی، مزدک
- ۹۹-۱۰۱..... ۴-۴-۳-۳. عهدعتیق، مسیحیت، اسلام

- ۴-۴-۴- برخی از نظریه‌های مربوط به مسأله شر ۱۰۱
- ۴-۴-۱- انکار وجود خدا ۱۰۱
- ۴-۴-۲- ثنویت و جدا بودن مبدأ شر از مبدأ خیر ۱۰۱-۱۰۲
- ۴-۴-۳- توهمی دانستن شر ۱۰۲
- ۴-۴-۴- شر نما دانستن شر ۱۰۲
- ۴-۴-۵- تأخر حسن و قبح از افعال پروردگار ۱۰۳
- ۴-۴-۶- غلبه‌ی جنبه خیر بر شر در عالم ۱۰۳
- ۴-۴-۷- عدمی دانستن شر ۱۰۳
- ۴-۴-۸- شر از دیدگاه فلاسفه اسلامی ۱۰۳-۱۰۴
- ۴-۴-۹- آراء معتزله در خصوص شر ۱۰۴
- ۴-۴-۱۰- دیدگاه عرفا ۱۰۴-۱۰۵
- ۴-۵- خیر مطلق و مسأله شر از منظر سنت‌گرایان ۱۰۵-۱۰۷

فصل پنجم: سنت و تجلی هنر مقدس

- ۵-۱- معانی سنت ۱۰۹-۱۱۳
- ۵-۲- تجلی سنت ۱۱۳
- ۵-۳- مفهوم هنر از نگاه سنت‌گرایان ۱۱۳-۱۲۰
- ۵-۴- هنر سنتی از منظر سید حسین نصر ۱۲۰-۱۲۴
- ۵-۵- هنر مقدس ۱۲۴-۱۳۶
- ۵-۶- ارکان هنر سنتی ۱۳۶
- ۵-۶-۱- زیبایی در هنر سنتی ۱۳۷-۱۴۷
- ۵-۶-۲- نمادگرایی در هنر سنتی ۱۴۷-۱۵۱
- ۵-۷- بررسی ایده خیر از منظر سنت‌گرایی ۱۵۱-۱۵۶
- ۵-۸- ویژگی هنرمند سنت‌گرا ۱۵۶-۱۷۹
- ۵-۹- نتیجه‌گیری ۱۸۰-۱۸۲
- منابع و مأخذ فارسی ۱۸۳-۱۸۹
- منابع و مأخذ انگلیسی ۱۹۰-۱۹۱

فصل اول

کلیات تحقیق

در نظر افلاطون نظمى مابعدالطبیعی و اخلاقی بر جهان حاکم است که فیلسوف باید آن را از طریق تفکر عقلانی کشف کند و هنر فقط هنگامی ارزش حقیقی دارد که این نظم را دقیقاً نشان دهد یا به ما کمک کند که در جریان آن قرار گیریم. در نظر افلاطون، و در عالم مُثُل، برترین مثال، مثال خیر است. از نظر ارسطو نیز مثال خیر وجود دارد منتها در همین جهان است و ارسطو معتقد به کارکرد کاتارسیسی هنر است یعنی اینکه هنر منجر به پالایش روحی مخاطب می‌شود.

هنر حوزه‌ای در هم آمیخته با امور زیبا یا تجربه زیبا شناختی است. وجه زیبا شناختی هنر از تجسم یک معنا یا ایده جدا نیست.

برخی هنر را تبلور یک ایده متعال لحاظ می‌کنند و گروهی آن را تجسم ایده ذهنی می‌دانند.

سنت‌گرایان دسته‌ای از صاحب‌نظران در حوزه معرفت، دین و هنر هستند که اساس هنر و درخشش این ساحت را در جنبه متعالی یا معنویت آن لحاظ می‌کنند. از نظر ایشان، ذات هنر مبتنی بر ماهیتی قدسی و باطنی است که به نوبه‌ی خود محملی برای انتقال معرفت است؛ لذا معرفت، معنویت و هنر در بحث سنت‌گرایان رابطه مستقیم با یکدیگر دارند. از منظر سنت‌گرایان معنویت و هنر دو مقوله در هم تنیده اند و تا وقتی که معرفت ما به جهان حقیقی و وحیانی روشن نشده باشد ساحت هنر نیز برای ما ناشناخته خواهد ماند.

در این تحقیق ضمن مرور بر نیروی خیر و شر، نظریه سنت‌گرایان در این خصوص آورده شده است. باید اذعان داشت در کنار خیر، همیشه شر نیز قرار داشته است و این دو از مباحث مهم فلسفی به حساب آمده‌اند. شر یکی از پیچیده‌ترین مفاهیم فلسفی و یزدان شناختی است که دلیل آن نه تنها در ابهام کلمات بلکه در پیچیدگی خود موضوع نهفته است.

با توجه به اهمیت هنر سنتی در ایجاد محیطی مناسب برای حیات معنوی انسان رابطه عمیق آن با جوانب و گستره امور ماوراءطبیعی، بحث درباره هنر به طور کلی و خصوصاً هنر سنتی، نزد سنت‌گرایان از اهمیت خاصی برخوردار است. اهتمام سنت‌گرایان در باور هنر سنتی - قدسی درک متقابلی است میان حکمت و حقیقت. در این میان هنر به مانند پلی است که این دو مفهوم را به یکدیگر نزدیک می‌سازد و در صورت اتصال و تلقین حکمت و حقیقت، هنر سنتی از دل آن سر بر می‌آورد. بدین لحاظ فهم هنر نزد سنت‌گرایان به مثابه هنر برای هنر هرگز متصور نمی‌شود. بلکه حلقه سنتی‌ها هنر را به خدمت متافیزیک برده و از آن بستری و سرچشمه‌ای برای «معرفت» و «رحمت» نیز مهیا می‌سازند. از آن جا که سید حسین نصر سر بر آستان قدسی دارد و صور طبیعت نزد او منبع عالم هستی است؛ لذا تأملات نصر درباره هنر در

چارچوب سنت - متافیزیک نقش می گیرد. او به مانند دیگر سنت گرایان بر این باور است که: هنر بر علمی به عالم هستی مبتنی است که ماهیتی قدسی و باطنی دارد و به نوبه خود محملی برای انتقال معرفتی با یک سرشت قدسی است.

نسبت هنر حقیقی و روحانیت، نسبت جسم و روح است؛ همان گونه که جسم بدون نیروی حیات بخش روح تجزیه می شود و می پوسد هنر نیز در فراق آن نفخه روحانی که به ماده جاودانگی می بخشد و آن را به آینه ای برای انعکاس عالم معنا بدل می سازد، به زوال و تباهی می گراید.

ساحت هنر از نگاه سنت گرایان تابع مقتضیات اخلاقی و معنوی است که به هنر جهت می دهد و از این جهت در این ساحت با امری جدی و خطیر روبرو هستیم که از نقشی تربیتی برخوردار است. درخشش هستی شناختی امر زیبا تذکاردهنده به خیر یا ایده نیک است. زیبایی جدا از جنبه مثالی معنا پیدا نمی کند. حوزه هنر نیز که در نزد ایشان تنها بر اساس وجه متأصل و کمک رسان آن به تربیت تعریف می گردد، در راستای متجلی ساختن ایده یا محملی برای ارتقاء نفس به سوی منشاء واصل لحاظ می گردد.

فضایل اخلاقی که هنر در زندگی انسان می نهد، مانع شهوت می شوند و نظمی را مستقر می سازند که نظم اخلاقی وجود را، هر چند به نحوی محدود باز می تاباند.

متعالی ترین هنر در جامعه سنتی، «قدیس شدن»، یعنی صیقل یافتن روح است تا آن که روح به شکل اثری هنری در خور مقام الوهیت تجلی کند. زیبایی و شرافت بخشیدن به ماده، زایل کردن تیرگی آن و ارتقای آن به مرتبه ای بالاتر در نظام هستی است که هنر قدسی را متحقق می گرداند. اثر هنری اصیل از دید سنت گرایان هنری است که با زندگی و آیین های او آغشته شده و هنری است که جای معنویت را با زیبایی معنوی خود پر می کند. در بدو امر، هنر خود را با تولید ابزار و لوازم عبادی یا آلات و ابزار کار اشیا خانگی بروز می داد ولی حتی ساخت این آلات و اشیا جدا از آیین عبادی و مناسک قومی ایشان معنا پیدا نمی کرد. یعنی در حقیقت ساخت و ساز انسان سنتی در راستای علقه های معنوی و تعالی جویی او بود. در واقع، همان گونه که انسان برای وصول به حق نیازمند هدایت ماده به سمت تجرد است، هنر نیز برای بیان اصول و مفاهیم معقول نیازمند هدایت ماده به سمت تجرد می باشد.

۱-۱-۱. واژه شناسی:

نظم اخلاقی: از آنجایی که یک هنرمند سنتی متجلی کننده ی یک فضیلت متعالی می باشد بدین منظور خود نیز باید واجد آن فضیلت متعالی گردد، این فضیلت در تمام امور زندگی وی جلوه گر شده، مانع امیال و شهوت ها می شود و خود را به شکل یک نظام اخلاقی متجلی می سازد که هم در هنرمند و هم در هنر قابل رویت خواهد بود.

۱-۲- بیان مسأله

با جمع آوری نظریات سنت‌گرایان در باب ایده خیر و هنر و ارتباط آن با هم می‌توان به این نتیجه کلی رسید که سنت‌گرایان هنر را مظهر ظهور و تجلی کمال میدانند.

در این تحقیق سعی می‌شود علاوه بر جمع آوری نظرات افلاطون و نوافلاطونیان و فیلسوفان قرون وسطی در باب هنر و معرفت و حقیقت، نظرات سنت‌گرایان نظیر: گنون، بورکهارت، کوماراسوامی، شوان، سید حسین نصر، شهرام پازوکی و اعوانی در باب هنر جمع آوری شده و با هم تطبیق داده شود و متافیزیک و معنویت و ربط آن با هنر مورد بررسی قرار گیرد. تاکید این تحقیق بیشتر بر روی سید حسین نصر می‌باشد.

ابتدا باید به واژه سنت پرداخته شود. همان‌طور که می‌دانیم سنت صرف عادات و رسوم متداول نیست بلکه مبانی روحانی و متافیزیکی دارد. تمدن سنتی تمدنی است که در آن همه جوانب زندگی از مناسبات مذهبی در عبادتگاه‌ها گرفته تا سیاست اقتصاد و هنر بر مبنای اصولی که از وحی نشأت گرفته‌اند تنظیم شود. هستی در جهان‌شناسی سنتی دارای ساختارها و ساحت‌های وجودی متعددی است. متعالی‌ترین هنر در جامعه سنتی قدسی شدن یعنی صیقل یافتن روح است تا آنکه روح به شکل اثر هنری در خور مقام الوهیت تجلی کند.

نکته‌ای که باید ذکر شود این است که سنت‌گرایان اگر چه از جهت افراد متعدد هستند، اما همگی پیرو یک نظریه و یک اصل هستند و آن احیاء سنتی است که با «حکمت جاویدان» مترادف است. از نکات بدیع دیدگاه سنت‌گرایان تأویل سنت به معنایی غیر از معنای متداول و توجه به فلسفه هنر است.

از جمله منابعی که در معرفی جریان سنت‌گرایی و مطالب هنری از دید سنت‌گرایان مورد توجه است می‌توان به: کتاب خرد جاویدان که مجموعه مقالات همایش نقد تجدد از دیدگاه سنت‌گرایان و معرفی بیست و هفت اثر از نگاه سنت‌گرایان معاصر که در سال ۱۳۸۲ منتشر شده است.

مجله‌های نقد و نظر در شماره‌های (۱۶ و ۱۵) تابستان و پاییز ۱۳۷۷ که به معرفی سنت‌گرایان اختصاص دارد که در آن ترجمه مقالاتی از سنت‌گرایان و مصاحبه با سه تن از صاحب‌نظران در حوزه سنت‌گرایی مندرج است. کتاب جام نو و می‌کهن. در این کتاب به صورت اجمالی مقالاتی از سنت‌گرایان آورده شده است و راجع به نظریات کلی آن‌ها بحث شده است.

نوشته‌های دکتر نصر، نوشته‌های شوان و دیگر سنت‌گرایان نیز از جمله منابع بسیار مهم در خصوص هنر و سنت است که مبحث کلی این تحقیق می‌باشد.

در زمینه‌ی شناخت جریان یکی از بهترین کتاب‌ها که در سال‌های اخیر تهیه شده است، کتاب «سنت‌گرایی» نوشته‌ی اولدمدو¹ است.

مهم‌ترین هدفی که در این تحقیق به آن پرداخته شده است، بررسی ایده خیر در کار هنری است که از منظر سنت‌گرایان جزء مطالب اصلی آن‌ها راجع به هنر می‌باشد و در نهایت به هنر که خود در این منظر تابع معنویت می‌شود و در نهایت منجر به ایده خیر و مقتضیات اخلاقی می‌گردد. می‌توان ادعا نمود هنری که ایده خیر را به همراه داشته باشد یا در واقع هنری که به ایده خیر توجه کند به دنبال خود مقتضیات اخلاقی را نیز در پی خواهد داشت و در واقع منجر به نوعی نظم اخلاقی در هنرمند خواهد شد.

اهمیت این تحقیق را در مطالب زیر می‌توان خلاصه کرد:

۱- فراهم آوردن طرحی که به بررسی ایده خیر از منظر سنت‌گرایان بپردازد.

۲- بررسی تأثیر ایده خیر در هنر که در نهایت منجر به مقتضیات اخلاقی هنرمند و خلاقیت هنری آن می‌شود.

۳- در اصل این موضوع می‌تواند هنر دوران متجدد را به زیر سوال ببرد که در آن رمزها و صورت‌های هنری به نشانه‌های من در آوردی تبدیل شده است.

۴- فراهم آوردن طرحی برای استفاده دانشجویان

سوالات اساسی این پژوهش عبارتند از:

معنویت و هنر از منظر سنت‌گرایان چه جایگاهی دارد؟

ویژگی‌های معنوی هنر از منظر سنت‌گرایان به چه صورت دیده می‌شود؟

آیا رابطه‌ای بین هنر و مقتضیات اخلاقی وجود دارد؟

چه چیزی هنر معنوی را از هنر متجدد متمایز می‌کند؟

اصالت هنری در منظر سنت‌گرایان به چه چیزی اطلاق می‌شود؟

نتایج این تحقیق علاوه بر فراهم آوردن طرحی برای بررسی ایده خیر در کار هنری که از منظری خاص می‌باشد به موضوع اخلاق و رابطه‌اش با ایده خیر پرداخته و در نهایت تأثیر هنر را در هنرمند به نمایش خواهد گذاشت.

¹.Oldmeadoe

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از اطلاعات موجود در شبکه اینترنت است. روش تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی^۲ می‌باشد

بر این اساس پنج فصل در نظر گرفته شده است که پیش از طرح مباحث اصلی و پاسخ به سوالات اساسی، لازم بود که ابتدا به بررسی واژه هنر پرداخته شود و سپس به منشاء شهودی هنر از دید برخی از فلاسفه قدیم و جدید پرداخته شود تا بتوان تفاوت دیدگاه‌های ارائه شده را باهم مقایسه کرد. بنابراین دیدگاه‌های مذکور مطالب فصل دوم را تشکیل می‌دهند. پس از آن در فصل سوم به بررسی ایده، افلاطون، که اولین شخص در ارائه این مطلب بوده است و همچنین ایده خیر و مخالف آن یعنی به واژه شر و بررسی دیدگاه‌های مختلف در این خصوص پرداخته شده است.

در فصل چهارم لازم بود که جریان سنت‌گرایی از جهت پیشینه تاریخی و افراد شاخص این جریان معرفی شوند؛ و در فصل پنجم بحث سنت و تجلی آن در هنر از منظر سنت‌گرایان مطرح می‌شود و در نهایت پس از ترسیم موقعیت هنر در نظر آراء فلاسفه سنت‌گرا خصوصاً دکتر سید حسین نصر و در نهایت به بحث هنرمند و مقتضیات اخلاقی هنرمند سنت‌گرا پرداخته شده که یکی دیگر از مباحث اصلی این تحقیق می‌باشد. در ادامه این فصل در نهایت به نتیجه‌گیری کلی تحقیق پرداخته شده است.

² . Descriptive Res

فصل دوم

(هنر و آراء برخی از متفکران)

۲-۱- معنی عام و خاص هنر

آیا واژه‌ی «هنر»^۳ که در زبان ما معادل کلمه‌ی «آرت»^۴ هست به همان معنا است یا دارای معنای دیگری است؟ هنر در زبان ما هرگز آن معنای Art را که به معنی ابداع^۵ و صنعت^۶ است را نمی‌رساند. «لفظ هنر در زبان‌های اروپایی به یونانی تخنه، به لاتین آرتوس و آرس^۷، به آلمانی کونست^۸ و به فرانسه آر^۹ و به انگلیسی آرت^{۱۰} از ریشه هند و اروپایی art به معنای ساختن و به هم پیوستن و درست کردن آمده است.» (آریان پور، ۱۳۸۶، ص. ۳۰).

«اصل و ریشه‌ی هنر در زبان فارسی به سانسکریت بر می‌گردد، و با لفظ سونر^{۱۱} و سونره^{۱۲} که در اوستایی و پهلوی به صورت هونر^{۱۳} و هونره^{۱۴} آمده است، پیوند دارد. سو سانسکریت همان هو به فارسی است، که معنی هر دو نیک و خوب است و نرو نره به فارسی به معنی مرد و زن است، و هونر و هونره به معنی نیک مرد و نیک زن» (پاشنگ، ۱۳۸۱، ص. ۶۲۳).

«در زبان فارسی قدیم نیز چهار هنران به معنی فضایل چهارگانه شجاعت و عدالت و عفت و حکمت عملی به معنی فرزادگی آمده است، و در اشعار فارسی به معنی فضیلت استعمال شده است» (مدد پور، ۱۳۸۳، ۱/۱۸).

معنی عام هنر در ادبیات و فرهنگ ایرانی به معنای فضیلت‌های اخلاقی است:

قلندران طریقت به نیم جو نخـرنـد قبای اطلس آن کس که از هنر عاری است (حافظ، ۱۳۶۲، ص. ۶۷).

دهخدا هنر را این‌گونه تعریف می‌کند: «علم و معرفت، دانش و فضیلت و کمال، کیاست و زیرکی. این کلمه در واقع به معنی آن درجه از کمال آدمی است که هشیاری و فراست و فضل و دانش را در بر دارد و نمود آن صاحب هنر را برتر از دیگران می‌نماید. معنای دیگر آن قابلیت است یعنی کفایت و لیاقت و معنای سوم آن به معنی اهمیت است: نباید که خطایی افتد و هنر بزرگ این است که جیحون در میان است: تاریخ بیهقی» (۱۳۷۷، ذیل واژه هنر). در فرهنگ دکتر انوری در مورد هنر چنین درج شده است: «۱- هر نوع فعالیت غیر معطوف به سود مادی و مبتنی بر برداشت‌های شخصی

³. honar

⁴. art

⁵. poiesis

⁶. Techne

⁷. ars

⁸. kunst

⁹. art

¹⁰. art

¹¹. sunar

¹². sunara

¹³. hunar

¹⁴. hunara

از محیط و طبیعت با استفاده از نیروی تخیل و قواعد زیبا شناسی مانند پرداختن به موسیقی، نقاشی، مجسمه سازی، نویسندگی و شعر ۲- فنون مربوط به این نوع فعالیت‌ها ۳- اثری که با این نوع فعالیت به وجود آید ۴- توانایی در امور معنوی و اخلاقی: هنر دوست داشتن ۵- کار مهم و قابل توجه ۶- مهارت در فنی چنان که مهارت در سخنوری و در فنون جنگی» (۱۳۸۳، ذیل واژه هنر).

«هنر به معنی عام» با ابداع و صنعت سرو کار ندارد. در حالی که «آرت و آرتوس» و از آنجا معادل یونانی آن «تخنه» با این مراتب پیوند دارند. کار هنرمند ابداع است یعنی به پیدایی آوردن حقیقت؛ به یونانی پوئیسس^{۱۵}. یونانیان آنچه را که ما امروز «شعر» می‌خوانیم پوئیسس می‌نامیدند، به فرانسه Poesie و به انگلیسی Poetry. اما ابداع با خیال سر و کار دارد. هنر به این معنی ترکیب یافته از صورت‌های خیالی است (مدد پور، ۱۳۸۳، ۱۷/۱).

«ارسطو تخنه یعنی هنر به معنی خاص را به دو معنی تفسیر کرده است: اول هنری که متوجه تکمیل کار طبیعت (کالاهای ساخته شده) است؛ و دوم هنری که کارش محاکات و تقلید و تخیل است که همان هنرهای زیبا باشد» (کاپلستون، ۱۳۷۵، ص. ۴۹۲/۵).

هایدگر در توضیح واژه تخنه می‌گوید: «واژه تخنه مرتبط است با فعل Tikto که به معنای فرا آوردن است. Tikto و Teckne دارای ریشه tec هستند. تخنه نزد یونانیان اساساً به معنای چیزی را ظاهر ساختن یا چیزی را گذاشتن که آنچنان که هست ظاهر شود است؛ لذا تخنه یا فراوری را نزد یونانیان باید بر حسب اجازه ظاهر شدن به چیزی دادن تصور کرد. از آغاز تا افلاطون و ارسطو واژه تخنه همواره نسبت نزدیکی با واژه episteme داشت و اساساً هر دو واژه نام‌هایی بودند برای شناسایی به معنای بسیار وسیع آن. این دو واژه به معنای انس کامل با چیزی داشتن، چیزی را به طور کامل فهمیدن یا اهلیت داشتن بود. این نوع شناسایی متضمن گشودگی و انکشاف است؛ لذا تخنه نزد یونانیان صورتی از aletheuein یا به چیزی اجازه از پنهانی به پیدایی آمدن دادن بود. شناسایی در اینجا به معنای نتیجه مشاهدات اشیایی که قبلاً ناشناخته بوده‌اند نیست. شناسایی به معنای تخنه نوعی نگاه به ورا نیست بلکه بودن، ورا آنچه به صورت موجودی ساده در دسترس است و آن را در کار به عنوان یک موجود قرار دادن و در عین حال خود وجود را در این موجود در کار هنری قرار دادن است بنا بر این شناسایی به معنای تخنه، توانایی درون کار هنری آوردن وجود هر موجود خاص است؛ لذا تخنه درخشش وجود در موجودات را امکان پذیر می‌کند و به موجودات این امکان را می‌دهد که آنچه هستند باشند. کار هنری یک کار است اما نه بدان جهت که چیزی است که ساخته شده است بلکه بدان جهت که وجود یک موجود را آشکار می‌کند» (کوکلمانس، ۱۳۸۸، ص. ۳۰۴).

¹⁵.Poiesis